

گفتگوی با صدیق سبحانی، یکی از کارگران نساجی کردستان

دوشنبه هشتم مهر ۱۳۸۷

بهزاد سهرابی

گفتگوی بهزاد سهرابی با صدیق سبحانی، یکی از

کارگران نساجی کردستان، به بهانه اعتراضات اخیر کارگران آن مرکز

سهرابی . با عرض سلام خدمت شما، از اینکه این اجازه را به من دادی تا در مورد اعتراضات نساجی کردستان با شما مصاحبه ای داشته باشم، ممنون هستم. ابتدا از شما خواهش میکنم برای اینکه خوانندگان نشریه جنبش کارگری بیشتر با شما آشنا شوند خودتان را معرفی کرده و بفرمائید سابقه کار شما در نساجی کردستان چند سال می باشد؟ سبحانی. من هم خدمت شما بهزاد عزیز سلام و خسته نباشید میگم و همچنان از دست اندرکاران نشریه ی جنبش کارگری و کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ، تشکر و قدردانی کرده و آرزوی موفقیت دارم. من صدیق سبحانی متولد ۱۳۴۴ در روستای سپیران که در خانواده ای زحمتکش و کشاورز و سنتی به دنیا آمده و مانند دیگر کودکان کار، در سن ۸-۷سالگی وارد بازار کار شدم. در سال ۱۳۵۷ برای ادامه ی تحصیل به شهر سنندج آمدم و بعد از تعطیلات مدارس برای اینکه بتوانم درسم را ادامه دهم به شهرهای تهران، کرج، بندر عباس و اهواز می رفتم و کار می کردم. با این وجود به دلیل عدم پشتیبانی مالی ترک تحصیل کردم. علیرغم میل باطنی خودم به سربازی رفته واز ادامه تحصیل محروم شدم. بعداز خدمت سربازی دوباره در شهرهای تهران، کرج، آبیک و اهواز مشغول به کار کارگری (کارگر ساختمانی) شدم . در سال ۱۳۶۹ در کارخانه نساجی کردستان استخدام و اکنون مدت هیجده سال است که دراین مرکز مشغول به کار هستم. و حدود ۳ سال است که عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری می باشم.

با تشکر از توضیحات شما. دوست عزیز ، صدیق سبحانی ، می خواهم کمی به گذشته برگردم یعنی به سال ۱۳۸۴ که کارگران نساجی کردستان برای دفاع از مطالبات کارگری خود دست به اعتصاب زدند که این اعتصاب در جنبش کارگری ایران نبرد ۵۷ روزه نام گرفت. درمورد چگونگی این اعتصاب و دلایل شروع آن برای خوانندگان ما توضیح دهید و در صورت امکان مطالباتی که در دستور کار قرار داده شده بود را بازگو نمائید.

بله در اینجا لازم است من هم به گذشته برگردم ، درواقع اعتراضات کارگران به قبل از سال ۱۳۸۳ برمی گردد و کارگران سالن بافندگی بارها بعلت عدم بهداشت آبدارخانه، محیط کار و اخراج همکاران خود اعتراض کرده و موفق شده اند ،اما در سال ۱۳۸۳ با نامه ای که از طرف آقای فروزنده مدیر کل بنیاد جانبازان و مستضعفان برای تعطیل کردن سالن بافندگی آمده بود این سالن را تعطیل کردند. ناگفته نماند بعد از تعطیلی سالن بافندگی وی از سود دهی سالن بافندگی می گفت و عنوان می کرد سود کار خانه ناشی از تولید در قسمت بافندگی کار خانه بود. سالن بافندگی ۱۷۰ نفر کارگر رسمی و قراردادی داشت. کارفرما و اداره کار به تمامی کارگران رسمی و قراردادی اعلام کردند، اگر تا

پایان ۳۱ شهریور ماه سال ۸۳ تسویه حساب نکنند، بعد از پایان قرار داد بیمه بیکاری به آنها تعلق نخواهد گرفت. به این وسیله توانستند کارگران قرار دادی را فریب دهند و به ازای هر سال، سه ماه ونیم حقوق و مزایا به آنها پرداخت و با آنان تسویه حساب کنند. کارگران رسمی سالن بافندگی به مدت ۳ ماه بی آنکه کاری انجام دهند هر روز به کارخانه مراجعه و هر ماه حقوق خود را با سایر کارگران دریافت می‌کردند. (لازم به ذکر است که کارگران رسمی از کارگران قرار دادی پشتیبانی نکردند.)

از اینکه به آنها کاری محول نمی‌شد افسرده و بی حوصله شدند. در دوم مهر ماه ۸۳ در نماز خانه‌ی اداری کارخانه دست به اعتصاب غذا زدند، که این اعتصاب غذا اول برای مدیریت بی اهمیت بود، تا اینکه کارگران سالن ریسندگی به پشتیبانی آنها، دست از کار کشیدند و بکلی تمام قسمتهای کارخانه تعطیل شد. طوری که تمام مسئولین استان و مدیریت کارخانه را وادار کردند به خواست کارگران اعتصابی تن دهند و وادار به مذاکره شوند. کارگران اعتصابی به ازای هر سال، ۸ ماه حقوق و مزایا را خواستار بودند. هیئت مدیره شرکت به ازای هر سال، ۶ ماه را قبول کرده بود و فردی به نام علی افشاری که قائم مقام بنیاد بود و حالا در صدای آمریکا به عنوان فعال حقوق بشر!! صحبت می‌کند، برای کارگران تیغ می‌کشید و آنها را تهدید میکرد و به ازای هر سال ۴/۵ ماه مزایا به کارگران دادند و به ازای هر سال ۱/۵ از کارگران غصب کردند و بخاطر این خوش خدمتی از هیئت مدیره پاداش خوبی گرفتند! حال برگردیم به سوال شما در مورد اعتصاب ۵۷ روزه که در کارخانه نساجی اتفاق افتاد. اعتصاب ۵۷ روزه در اصل در دوم مهر ماه ۸۴ شروع و در مورد وعده‌هایی بود که مدیریت می‌خواست آنطور که خود می‌خواهد به کارگران قرار دادی تحمیل کند که کاملاً به ضرر کارگران قرار دادی تمام می‌شد. بدین صورت که اگر کارفرما، هر وقت خواست، طبق بند ۷ قرارداد بتواند بدون هیچ قید و شرطی کارگر را اخراج کند و کارگران حق هیچ گونه اعتراضی را نداشته باشند. کارگران شیفت صبح بی آنکه به مفاد قرارداد توجه کنند آن را امضاء کردند. کارگران شیفت بعد از ظهر که متوجه شده بودند نه تنها آن را امضاء نکردند بلکه قراردادها را پاره کرده و بدور انداختند. و همین باعث شد تا مدیریت کارخانه دستور اخراج آنها را صادر کند و از آمدن آنها بر سر کارهایشان جلوگیری شود. شورای اسلامی کارخانه دستور مدیریت را نادیده گرفت، و آنها را بر سر کارهایشان برگرداند. اما مدیر تولید آقای عزیزی به کارگران گفت هرچه زحمت بکشید و تولید کنید برای کارخانه بی اهمیت و ارزشی ندارد و اگر مشکلی پیش آید باید خودتان جواب گو خسارت احتمالی باشید. اعتصاب از شیفت بعد از ظهر شروع شد و روز بعد هر چهار گروه سه شیفت، دست از کار کشیدند و خواستار برگشت به کار همکارانشان شدند.

به نظر شما کارگران با این اعتصاب به خواست های خود رسیدند؟ یا اگر در کسب مطالبات خود موفق نبودند، دلیل عدم این موفقیت را چگونه ارزیابی میکنید، توضیح دهید؟

لازم است عرض کنم اعتصاب ۵۷ روزه کارگران کارخانه نساجی در دوم مهرماه ۸۴ اتفاق افتاد و خواست و مطالبه کارگران بازگشت به کار همکارانشان بود که مدیریت در مقابل این خواست لجابت نشان داد، و کارگران تصمیم گرفتند تا همکارانشان بر سر کار برنگردند، به اعتصاب خود ادامه دهند. همانطور که گفتم اعتصاب به طول انجامید و مدیریت برای به شکست کشیدن اعتصاب به هر کاری دست میزد. کارگران برای اینکه مدیریت نتواند اعتصاب را به شکست بکشاند، خواستار مجمع عمومی شدند و نمایندگان خود را (شورای اسلامی کار) وادار کردند تا مجمع عمومی

تشکیل دهند و فقط مطالبات کارگران را دنبال کنند.

خواسته ها و مطالبات کارگران در مجمع عمومی اول: ۱- بازگشت به کار همکاران ۲- بستن قرارداد دسته جمعی ۳- تعطیلی کلیه قسمت‌های کارخانه شامل کمپرسور، تاسیسات، هوای صنعتی، تهویه و برق بود. که این حرکت و تصمیم گیری کارگران، حرکتی بی نظیر بود و تمام کارگران کارخانه منجمله قسمت اداری و نگهبانی همه به آن پیوستند و تمام کارگران که ۴۵۰ نفر بودند، به جز ۶ نفر از آنها که با مدیریت همکاری میکردند و اعتصاب شکن بودند، بقیه کارگران در اعتصاب شرکت داشتند. در مجمع عمومی دو خواست دیگری مطرح شد: ۱- طرح طبقه بندی مشاغل ۲- مدیریت در هیچ شرایطی حق نداشته باشد کارگران را اخراج و بیکار کند. به خاطر مصمم بودن کارگران در ادامه اعتصاب مسئولین استان، در استانداری کردستان کمیسیون کارگری تشکیل دادند و در آن کمیسیون کارگری که نمایندگان کارگران نیز حضور داشتند، ۸ ماده به تصویب رسیده بود. که نمایندگان کارگران از امضای آن خود داری کرده بودند. نتیجه کمیسیون کارگری که همان ۸ ماده بود را به میان کارگران آوردند و در نمازخانه اداره، تک تک ماده ها برای کارگران خوانده شد و کارگران همه ماده ها را رد کردند، میرفت بین کارگران تفرقه ایجاد شود، برای جلوگیری از آن تفرقه، کارگران از شورای اسلامی درخواست مجمع عمومی سوم برای روز بعد را کردند. تا در آن مجمع عمومی هرکس نظر خود را بدهد و تصمیم گیری شود. لازم به ذکر است در هر مجمع عمومی نمایندگان گزارشاتی را که داشتند، ارائه میکردند و بعد از طرف کارگران هیئت رئیسه ای انتخاب می شد و نظرات و پیشنهادات را یادداشت می کردند و به رای گذاشته می شد. و بر همان اساس در دستور کار نمایندگان قرار می گرفت. همان طوری که عرض کردم مجمع عمومی سوم در نمازخانه اداره تشکیل شد و نظرات و پیشنهادات از طرف کارگران ارائه و خواسته های دیگری را به مطالباتشان اضافه کردند، که مابیه التفاوت طرح طبقه بندی مشاغل از سوی کارفرما پرداخت و حقوق و مزایای زمان اعتصاب، هرچند ماه که طول بکشد باید کارفرما آن را پرداخت کند. این مطالبات به اضافه مطالبات دیگر در دستور کار قرار داده شد، خبر دادند که از بنیاد جانبازان و مستضعفان از نمایندگان خواسته اند که به تهران بروند، نمایندگان به تهران رفتند و با آقای کیانی ملاقات کرده بودند، نام برده به آنها گفته بود به اعتصاب پایان دهید و من قول می دهم هرآنچه از دستم برآید دریغ نکنم! به گفته نمایندگان اشک تمساح ریخته بود. ملاقات با کیانی بین نمایندگان تفرقه انداخته بود وقتی همه برگشتند در میان کارگران تفرقه ایجاد شد. اما برای جلوگیری از این تفرقه قبلاً کمیته حمایت از اعتصاب تشکیل شده بود و کارگران چیزی از کمیته حمایت از اعتصاب نمی دانست و آنها را نمی شناختند. اما کمیته اعتصاب خیلی آگاهانه عمل میکرد و از شکست اعتصاب به خوبی جلوگیری کرد. کارگران از نمایندگان خود خواستار مجمع عمومی دیگری شدند، تا از آن تفرقه و دو دستگی جلوگیری کنند. مجمع عمومی چهارم تشکیل گردید. تصمیم نهایی کارگران این شد، تا به تمامی خواست ها و مطالبات خود نرسند، اعتصاب را ادامه دهند! و رای بر آن شد تا اعتراضات خود را به بیرون از کارخانه انتقال دهند. تصمیم گرفته شد، که بعد از مجمع عمومی، بیرون از کارخانه با راهپیمایی مسیر کارخانه تا شهر سنندج را طی کنند. این راهپیمایی شروع شد. (حدود یک کیلومتر) در جلو کارخانه شاهو، تعداد زیادی از نیروی نظامی مسیر ما را سد کرده و از ادامه راهپیمایی جلوگیری کردند. اول آنها می خواستند برخورد فیزیکی کنند، اما چون دیدند با فشار و زور کارگران و ادار به عقب نشینی نخواهند شد، و کارگران عزم را جزم کرده اند، تا به راهپیمایی خود تحت هر

شرایطی ادامه دهند ، با زبانی آرام با کارگران وارد گفتگو شدند و کارگران از آنها قول گرفتند که به خواست و مطالبات آنها امروز باید رسیدگی شود، آنها قول دادند اگر به کارخانه برگردید فوری در کارخانه تشکیل جلسه داده و به مطالبات شما جواب خواهیم داد. در ساختمان اداری کمیسیون کارگری از طرف مسئولین استان با مدیر کارخانه و نمایندگان کارگران تشکیل شد. در آن کمیسیون ده ماده تصویب شده بود که با فشار و تهدید ، نماینده کارگران را وادار به پذیرش آن ده ماده کرده بودند. اما مدیر کارخانه از امضای آن خود داری کرده بود. کمیسیون کارگری که نتیجه اش ده ماده بود، در نمازخانه ساختمان اداری تک تک ماده های آن را برای کارگران خواندند . حدوداً چهل درصدی به خواست و مطالبات کارگران جواب داده شده بود و این باعث شد کارگران بر سر دو راهی قرار بگیرند ، از طرفی دیگر نیروی انتظامی و امنیتی بی اندازه به کارگران و نمایندگان فشار می آوردند که به سر کار برگردند، و دستگاه ها را استارت کنند. کارگران هم می گفتند هرگز اینکار را نخواهیم کرد باید مدیریت یا یکی از مسئولین استان دستگاه ها را استارت کرده و کتباً امنیت شغلی و مطالبات ما کارگران را تضمین کنند، تا ما بر سرکارهایمان بر گردیم . کسی حاضر نشد تضمین بدهد و اعتصاب ادامه پیدا کرد. کارگران برای برون رفت از این سر در گمی خواستار مجمع عمومی فوق العاده شدند و طی اعلامیه ای از تمام کارگران خواسته شد تا در آن مجمع عمومی شرکت و تصمیم گیری نهایی گرفته شود. روز بعد مجمع عمومی تشکیل شد و کارگران هر کدام پیشنهادات و نظرات خود را گفتند و به رأی گذاشته شد و موارد ذیل به تصویب رسید. کارگران تأکید کردند:

۱. تا به تمام مطالبات خود نرسند، باید اعتصاب با فشار بیشتری ادامه داشته باشد.
۲. خود مدیر عامل در کمیسیون کارگری استان حاضر و متعهد به اجرای خواست و مطالبات کارگران شود.
۳. تا رسیدن به مطالبات خود ،اعتراضات را بیرون از کارخانه ادامه دهند.
۴. شماره حسابی برای در خواست کمک مالی اعلام شود.
۵. صندوق کمک مالی در روز جمعه به مسجد جامع، فرجه و بهاران برده و مسئول هر صندوق تعیین شود.
۶. بعد از مجمع عمومی اعتراض خود در داخل شهر ادامه دهند.

به محض تمام شدن مجمع عمومی و حرکت کارگران به بیرون از کارخانه ، متوجه شدند که نیروی انتظامی نه تنها دور تا دور کارخانه را گرفته بلکه جاده کمربندی همدان ،کرمانشاه ، توسط پلیس محاصره و از بیرون رفتن کارگران جلوگیری می کردند. طوری که همیشه نیروهای انتظامی در آماده باش کامل بسر می بردند و از صندوق هائی که قرار شد به مسجد جامع برده شود جلوگیری به عمل آمد و قول مساعد دادند بطور حتم مدیریت را وادار خواهند کرد به خواست و مطالبات کارگران گردن نهد، چرا که حق با کارگران است. به علت پافشاری و مصمم بودن کارگران کمیسیون کارگری در ساختمان اداری تشکیل شد و نتیجه ی کمیسیون کارگری این بار، تا ۸۰ درصد به نفع کارگران تمام شد و مدیر عامل شرکت را به زور وادار کردند باید به مطالبات کارگران گردن نهد و متعهد شود. کارگران به مطالباتی که مطرح کرده بودند دست یافتند. اما مدیریت خیلی زیرکانه از راهی دیگر وارد شد و تمام دست آوردهائی را که کارگران بدست آورده بودند را از آنها گرفت . علت آن خامی ، عدم تجربه و عدم آگاهی بود.

آیا شما در طول این ۵۷ روز فقط در محیط کارخانه اعتراض خود را ادامه دادید؟ توضیح دهید نقش خانواده های شما در این اعتصاب چگونه بوده؟

خیر، قبلاً هم گفتیم در طول آن ۵۷ روز دو بار از کارخانه خارج شدیم و هر بار نیروهای انتظامی ما را متقاعد می کردند ، و دوباره به کارخانه بر می گشتیم. البته نه با زور، چون آنها می دانستند اگر ما را هم می کشتند بر نمی گشتیم، اما چون آنها از طرف مسئولین استان به ما قول می دادند و به قولشان عمل می کردند ما هم به داخل کارخانه مراجعه می کردیم . در مورد خانواده هایمان که در قسمت دوم سؤال شما آمده ، باید بگویم خانواده هایمان خواهان این بودند که در اعتصاب و اعتراض ما شرکت کنند و آمادگی لازم را داشتند، اما فشار ما کارگران به مسئولین و مدیریت طوری بود لازم نمی کرد آنها را در اعتراضات و اعتصابات درگیر کنیم .

آیا در حین اعتصاب کارگران نساجی کردستان ، دیگر مراکز کارگری از شما حمایت کردند؟ در صورت مثبت بودن جواب ، این حمایت ها چگونه صورت گرفته ، توضیح دهید.

در طول اعتصاب کارگران نساجی کردستان ، شفاهاً می گفتند از طرف تشکلات کارگری داخل و خارج مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته ایم اما در حقیقت نمیدانم تا چه حد صحت داشت.

دلیل اینکه شما این اعتصاب را به بیرون از کارخانه هدایت نکردید چه بود؟ آیا موانعی خاصی وجود داشت؟

نه اینکه کارگران نمی خواستند ، این اعتراضات به بیرون از کارخانه هدایت شود، اما برای هر حرکتی ، یک راه کار درست را باید انتخاب کرد. باید برنامه ریزی درست و دقیقی داشته باشید . باید فکر کرد و پیش بینی های لازم را کرده باشی و اگر خواستید اعتراضات به بیرون از کارخانه هدایت شود، باید موانع را شناخت و چگونگی حل این موانع را دانست، تا موجب سرخوردگی و شکست نشود. ما کارگران نه ماجرا جوهستیم و نه دنبال قهرمان می گردیم. به عنوان یک کارگر و یک شهروند حق کار ، زندگی و خواهان یک زندگی مناسب و شرافت مندانه را داریم . ما ثابت کردیم مطالبات ما کارگران عینی است. چرا که تمام مسئولین استان این حق را به ما دادند و وقتی خواستیم اعتراضات خود را به بیرون از کارخانه ببریم هیچگونه درگیری پیش نیامد. این محصول یک برنامه ریزی درست و قابل قبول بود. در آن اعتصاب و اعتراضات ۵۷ روزه که از دوم مهر ماه تا ۲۸ آبان ماه ادامه داشت، ۴ مجمع عمومی و یک مجمع عمومی فوق العاده تشکیل داده شد.

با تشکر از توضیحات شما، اگر اجازه دهید می خواهم در مورد اعتراضات جدید شما وارد بحث شوم. ابتدا توضیح دهید اعتراضات اخیر بر چه اساسی شروع شده و ادامه این اعتراضات ، آیا بنظر شما در راستای همان مطالبات کارگران و بی حقوقی های تحمیلی کارفرما که باعث اعتصاب ۵۷ روز شده بود نیست؟ و شروع اعتراضات جدید که تا به امروز ادامه دارد از چه تاریخی آغاز شده است؟

بله. تا زمانیکه سرمایه داری وجود داشته باشد، بنابه خصلت بورژوازی در اعمال بی حقوقی ها، اعتراضات کارگری هم وجود خواهد داشت. و اعتراضات اخیر کارخانه نساجی کردستان در همان راستای بی حقوقی هائی بود که کارفرما، هر روز به بهانه های مختلف به خواست و مطالبات کارگران حمله می کرد. و کار و زندگی را بر این قشر زحمت کش تنگ و تنگ تر کرده بود. اعتراضات کارگران بر می گردد به سال ۱۳۸۰ تا به امروز. در سال ۱۳۸۴ شدت بیشتری یافت و امسال ۱۳۸۷ کارفرمای شرکت با انحلال کارخانه می رود نه تنها کار را از کارگران بگیرد بلکه با این کار، می خواهند همان سفره ی خالی و بی رونق را از کارگران بدزدند! فقر و گرسنگی زائده سیستماتیک نظامهای سرمایه داری است . در واقع نساجی کردستان را می خواستند در سال ۱۳۸۴ به کلی تعطیل کنند ، ولی

بخاطر مقاومتی که کارگران از خود نشان دادند نتوانستند به آن اهداف شوم خود برسند. در خرداد ماه سال ۱۳۸۶ تعداد ۲۲ نفر از کارگران قراردادی را اخراج کردند. آنها خیلی مقاومت کردند تا بسر کارهایشان برگردند. اما متأسفانه بدلیل عدم پشتیبانی از طرف همکاران، کارفرما خیلی ساده موفق شد و توانست آنها را وادار به تسویه حساب کند. عدم پشتیبانی کارگران از همکاران اخراجی بنفع کارفرما تمام شد و ذهنیت کارفرما، برای آخرین حمله به کارگران را آماده کرد. و اول سال ۱۳۸۷ به بهانه های مختلف که کارخانه ضرر می دهد، بدهکار بانکها و ادارات است، توانایی دادن حقوق کارگران را ندارد و امسال بنیاد ۳۰۰ میلیون تومان کمک کرده و دیگر کمک نمی کند، و گره مشکلات ما را اداره دارایی می تواند باز کند و گرنه کارخانه نمی تواند ادامه حیات بدهد... و از این قبیل بحث ها، و نهایتاً صدور بخشنامه ای مبنی بر تسویه حساب با کارگران!! به این ترتیب حقوق خرداد را پرداخت نکردند و مواد اولیه به بهانه ی اینکه نقدینگی نداریم خریداری نشد. کارگران در یافتند که کارفرما می خواهد کارخانه را تعطیل و همه کارگران را بیکار کند. اعتراضات کارگران از اول مرداد ماه ۱۳۸۷ آغاز شده است.

ممنون از شما صدیق سبحانی. در راستای دستیابی به مطالبات خودبه کدام ارگانها مراجعه و مسئولین مربوطه در قبال خواست و مطالبات شما تا کنون چه اقدامی را انجام داده اند؟

بهانه ی مدیریت کارخانه بدهی به دارائی بود و مرتب تکرار می کردند که فقط دارایی می تواند این گره را باز کند و از تعطیلی کارخانه جلوگیری و ادامه کار داشته باشد. کارگران در نیمه اول مرداد ماه ۸۷ طی فراخوانی خواستار مجمع عمومی و تعیین نمایندگان جهت حل و فصل بحران بوجود آمده شدند. مجمع عمومی تشکیل شد و کارگران پنج نفر را به عنوان نماینده و دو نفر علی البدل را انتخاب کردند. نمایندگان مکاتباتی با ارگان های ذیل را داشته اند.

دارایی - سازمان کار و امور اجتماعی - حراست سازمان کار و امور اجتماعی - سازمان صنایع - فرمانداری - استانداری کردستان - نمایندگان مجلس - ریاست جمهوری - معاون حقوقی ریاست جمهوری و درکل مسئولان کشوری از هر طریق، اینترنت و مطبوعات. جایی نمانده است که با آنها مکاتبه نکرده باشیم. مسئولین استان کردستان هم ظاهر مخالف تعطیلی نساجی کردستان هستند. و در این باب هر آنچه از دست شان برآمده دریغ نکرده اند و حتی حاضر شده اند برای ادامه کاری کارخانه و جلوگیری از تعطیلی شرکت نزدیک به ۸ میلیارد تومان با نظارت استانداری کردستان در اختیار مدیریت شرکت قرار دهند. اما مدیریت از نظارت استانداری ابراز نگرانی کرده است. مسئولین استان کردستان خصوصاً استانداری با سهامدار کارخانه نساجی کردستان آقای جدید ساز و رئیس کل بنیاد مستضعفان و جانبازان آقای فروزنده گفتگو و صحبت کرده اند و حتی از آنها خواسته است، که شرکت را تعطیل نکنند. اما تا بحال هر چه تلاش شده است بی نتیجه مانده و بهانه ی مدیریت نساجی کردستان واهی و دروغ محض است. این بهانه ی بدهکاری و غیره فقط هدف تعطیل کردن نساجی کردستان و جمع آوری سرمایه و اخراج و بیکاری کارگران است. تلاش مسئولین استان در مورد دست یابی مطالبات ماکارگران که شامل، استمرار و ادامه کار، در کارخانه و پرداخت حقوق معوقه بود، تا کنون بی نتیجه مانده است.

به نظر شما موانع اصلی کارگران، در جهت دستیابی به مطالبات خود، با توجه به اعتراضاتی که صورت می گیرد و گاهی نا موفق می باشد چیست؟ و چاره آن را در چه چیز می بینید؟

به نظر من عدم موفقیت کارگران در دستیابی به مطالبات حقه خود ضعف مالی است. سیستم سرمایه داری آگاهانه

طبقه ی کارگر و زحمتکش را گرسنه نگه میدارد، تا مجال فکر کردن و تصمیم گیری نداشته باشد و نتواند بیش از اندازه مقاومت کند.

اگر هم کارگری معتقد به دورنمای مبارزه طبقاتی باشد، به خاطر مشکل مالی که نان آور چند نفرمی باشد و همچنان با تورم افسار گسیخته ای که در جامعه موجود است کمرش خرد میشود و این عوامل باعث میشود تا اعتراضات کارگران برای خواست و مطالبات برحق خود ناموفق باشد، چاره ما کارگران و طبقه زحمت کش تنها در اتحاد، همبستگی و تلاش برای ایجاد تشکل های کارگری و تعیین نمایندگان منتخب خود می باشد. ما کارگران برای اینکه از این وضعیت اسف بار خلاص شویم در محیطهای کارگری باید برای ایجاد تشکل مستقل کارگری تلاش کنیم.

من یک خبرخوشحال کننده در رابطه با برگزاری مجمع عمومی مشترک کارگران چند کارخانه در سنج را شنیدم و بی شک، این می تواند نقطه عطفی برای تشکل یابی کارگران باشد و گویا کارگران نساجی کردستان هم در آن مجمع عمومی حضور داشته و در رابطه با مشکلات کارگری خود و همچنین حمایت از دیگر مراکز کارگری و بطور مشخص در رابطه با لاستیک سازی البرز و نیشکر هفت تپه، تصمیماتی را اتخاذ نموده اند، لطفا تاریخ برگزاری و مباحثی که در آن مجمع عمومی مطرح شده را در صورت امکان برای خوانندگان ما بیان کنید.

همانطور که شما گفتید ما کارگران تنها با اتحاد و همبستگی می توانیم از حق و حقوق خود دفاع کنیم و نگذاریم صاحبان سرمایه به ما تعرض کنند. اما در مورد مجمع عمومی مشترک کارگران در سنج که شما به آن اشاره داشتی ما در چنین مجمعی شرکت نکرده ایم یا بهتر بگویم همچین چیزی وجود نداشته تا شرکت داشته باشیم!! چرا که نه ما کارگران نساجی از آن اطلاع داریم و نه نمایندگان ما! اگر کسی چنین چیزی گفته جای تعجب دارد و باید بررسی شود. عجب!!! ممنون. سوال آخر اینکه، آیا مبارزه کارگران تنها باید در راستای مطالبه حقوق و امنیت شغلی و... باشد، بنظر شما کارگران برای رهائی از تمامی مشقات و نابرابری های موجود که زائده سیستم سرمایه داری است، باید چه تدابیری را در دستور کار خود داشته باشند؟

لازم است به گذشته برگردیم و آن اینکه در طی مبارزات طبقاتی کارگران و جان فشانی هایی که شده بود، بورژوازی و سیستم سرمایه داری در مقابل پیشروی جنبش طبقه کارگر، مجبور و حاضر شد امتیازاتی از قبیل ۸ ساعت کار در روز، بیمه تامین اجتماعی، بیمه بیکاری و بازنشستگی، را بپذیرد، یا بهتر بگویم، در واقع به بورژوازی و سرمایه داری تحمیل شد. امروز سرمایه دار و بورژواها میخواهند آنها را از کارگران بگیرند و مانند نوعی کالا از کارگر استفاده کنند. حقیقتاً به این فکر افتاده اند تا نه تنها کارگران امنیت شغلی نداشته باشند بلکه سفره بی رونقی را هم که دارند از طبقه کارگر بگیرند تا هرچه بیشتر بتوانند طبقه کارگر و زحمت کش را استثمار و سود بیشتری به سرمایه هایشان اضافه کنند.

به سوال شما برمی گردم، که مبارزه و اعتراضات کارگران در راستای هجوم سرمایه داری به دست آوردهایی است که کارگران طی پروسه ای از مبارزه به سرمایه داران تحمیل کرده بودند. بی حقوقی، نا امنی شغلی، تعرض به سفره خالی کارگران همیشه زائده سیستم سرمایه داری بوده و هست و صرفاً طبقه کارگر در همین راستا، طلب حقوق معوقه و امنیت شغلی دست به اعتراضات و اعتصاب می زنند. طبقه کارگر برای اینکه بتواند از این نابرابری و بی حقوقی و مشقات روزمره ای، که سرمایه داران به کارگران تحمیل کرده اند، و هر روز به فشار خود می افزایند، رها

یا بند، باید همان طور که قبلا عرض کردم، با اتحاد و همبستگی، تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری را در دستور کار خود گذاشته و برای برون رفت از این وضعیت اسف بار که سرمایه داری به وجود آورده است، طبیعتا تنها راه چاره، اتحاد و همبستگی در راستای مبارزه با نظام سرمایه داری می باشد.

با تشکر از شما دوست عزیز صدیق سبحانی. از اینکه تجاربی از روند اعتصاب و اعتراضات کارگران نساجی کردستان را برای ما و دیگر کارگران بیان کردی بی شائبه سپاسگزارم. ما بر این عقیده هستیم که انتقال تجارب و چگونگی روند اعتراضات کارگری می تواند برای آینده، چراغ راه و آئینه ای تمام نما باشد که کارگران بتوانند از این تجارب به نفع خود در اعتراضات بعدی سود جسته و از آن برای ادامه این کشمکش طبقاتی استفاده کنند. در آخر برای شما و تمامی کارگران آرزوی پیروزی و موفقیت را دارم، زندگی پر از رفاه و آزادی، بدور از استعمار، تحقیر و تبعیض شایسته ماست و این ممکن نمیشود مگر با همت و اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران. به امید آن روز. من هم از شما کمال تشکر را دارم به امید پیروزی طبقه کارگر. وفق باشید.

بهزاد سهرابی

شهریور ۸۷

نشریه جنبش کارگری شماره ۳